

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۲ اپریل ۲۰۲۰

ویروس کرونا و جمهوری اسلامی، دو بلای جان توده های ستمدیده!

در ماه های پایانی سال ۱۳۹۸، شیوع ویروس مرگبار کرونا در ایران تحت حاکمیت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی، زندگی مملو از فقر و محرومیت مردم دردمند ما را با یک چالش بزرگ دیگر روبرو ساخت؛ چالش مرگ و زندگی؛ نبرد با اهریمن مرگ، آنهم در فصلی که در فرهنگ جامعه ما، به طور طبیعی پیام آور تولد و شکوه زندگی ست. شیوع کرونا، بر حیات سراسر فاقد امنیت مردم و بویژه میلیون ها تن از خانواده های کارگری و زحمتکش ما بحران دیگری را تحمیل کرد، به ستمدیدگانی که بدون وجود ویروس کرونا نیز، کمرشان در زیر بار مصائب اقتصادی - سیاسی ناشی از حاکمیت جمهوری اسلامی خم شده است.

مطابق آخرین آمار اعلام شده از سوی مسؤولان حکومتی، تا روز پنجشنبه ۲۹ اسفند، "۱۸ هزار و ۴۰۷ نفر" در کشور به ویروس کرونا مبتلا شده و "۱۲۸۴ نفر" نیز در اثر ابتلاء به این ویروس جان داده اند. (علیرضا رئیسی معاون بهداشت وزارت بهداشت جمهوری اسلامی) در همین حال، سخنگوی وزارت بهداشت رژیم، کیانوش جهانپور نیز در توصیف ابعاد سرعت ویرانگر بلایی که بر جان مردم دردمند ما افتاده در روز پنجشنبه ۱۹ مارس، ۲۹ اسفند اعلام کرد "طبق آخرین داده ها، تقریباً در هر ساعت، ۵۰ نفر در ایران به کووید ۱۹ (ویروس کرونا) مبتلا می شوند" و اضافه کرد که "در هر ده دقیقه، یک نفر جان خود را در اثر پیامدهای ناشی از ابتلا به کرونا از دست می دهد". یعنی بر مبنای این آمار، به طور متوسط و با در نظر گرفتن سرعت رشد فعلی این ویروس، روزانه ۱۴۴ تن از مردم محروم و دردمند، در شرایط آفریده شده توسط جمهوری اسلامی، جان خود را از دست می دهند.

البته این آمار دردناک هنوز به هیچ وجه عمق فاجعه ای که گریبانگیر توده های تحت ستم کشور ما شده را بیان نمی کند، چرا که دست ساز آمار سازان رژیم جمهوری اسلامی بوده و با واقعیت انطباق ندارد. آمار داده شده توسط "سازمان بهداشت جهانی" یعنی نهادی که تحولات مربوط به ویروس کرونا در سراسر جهان را به طور روزمره تعقیب می کند، مدعی است که تعداد تلفات کرونا در ایران را باید ۵ برابر آمار رسمی اعلام شده توسط جمهوری اسلامی به حساب آورد. در عین حال، جدا از این آمارهای "رسمی"، انتشار ده ها تصویر و فیلم از سوی مردم در فضای مجازی در مورد گسترش روزمره قیرستانها در شهر های سراسر کشور و اختصاص قطعه های تازه به قربانیان کرونا و دفن بی سر و صدای آنان، از جمله اسنادی هستند که نشان می دهند که مقامات جمهوری اسلامی

تاکنون در مورد فاجعه کرونا نیز سیاست پنهانکاری و عدم اعلام آمار واقعی را برای پوشاندن چهره‌فکره حکومتشان دنبال کرده اند.

خامنه‌ای، رهبر پلید جمهوری اسلامی در اظهار نظرهای اولیه خود با عوامفریبی تمام اخبار هولناک شیوع کرونا بر جان ملت را "توطئه دشمن" علیه مضحکه موسوم به "انتخابات مجلس" نامید و سپس از مردم نگران و بی پناه خواست که در مورد این بلای مرگبار "مساله را زیاد بزرگ" نکنند. در امتداد همین سیاست عوامفریبانه، رئیس جمهور دروغگوی وی یعنی روحانی نیز با وقاحت مدعی شد که همه چیز در مبارزه علیه شیوع کرونا در کشور خوب پیش می رود و "روند کنترل و ویروس، مثبت می باشد". این دروغ پراکنی های بیش‌رمانه در مقطع زمانی ای صورت می گرفت که ویروس کرونا از مدتها قبل در حال درو کردن جان و حیات صدها تن از توده های محروم در سراسر کشور بود و شرایطی به وجود آمده بود که با مشاهده آن، جعفر زاده ایمن آبادی، نماینده رژیم از رشت در مجلس در تاریخ ۱۹ اسفند، اعتراف کرد که: "قبرستان‌ها دیگر جا ندارند" و "اجساد روی هم دفن می‌شوند"، و اوضاع آنقدر وخیم است که "۵۰ درصد کادر درمانی گیلان مبتلا به کرونا هستند". در همین رابطه، عبدالکریم حسین زاده، نماینده دیگر مجلس ارتجاع با انتقاد از سیاست های "ناکارآمد" حکومت تاکید می کرد که "جنازه ها در قم تلنبار شده اند".

مقایسه بین حقیقت ابعاد شیوع و تاثیرات مرگبار ویروس کرونا که حتی نمایندگان مجلس نیز به آن معترف می شدند با ادعاهای عوامفریبانه سران حکومت، روشنگر یکی از سیاست های ضد خلقی جمهوری اسلامی در مقابل این بحران می باشد. امروز دیگر این امر به هیچ رو پوشیده نیست که مقامات رژیم، کوشیده اند تا در مقابل رشد خشم و نفرت به حق مردم در قبال شرایط مرگباری که نظام حاکم و رژیم جمهوری اسلامی برای توده های تحت ستم بوجود آورده، به سیاست "پنهانکاری" روی آورند تا نقش ضد خلقی خود در افزایش تصاعدی بار ویرانگر شیوع این ویروس بر گرده توده های محروم جامعه ما را در انتظار ببوشانند. در حالی که چگونگی انتشار و شیوع ویروس کرونا در جامعه تحت سلطه ما آئینه تمام نمائی ست که نقش ویرانگر این نظام و ماهیت تا مغز استخوان وابسته، گندیده و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را در بستر یک فاجعه عمومی در مقابل همگان به نمایش می گذارد.

نگاهی به اظهارات سران تبهکار رژیم جمهوری اسلامی از زمان انتشار اخبار مربوط به شیوع این ویروس و چگونگی مواجهه گردانندگان نظام با آن نشان می دهد که چگونه در یک شرایط حساس و بحرانی، حیات و هستی مردم ما قربانی سود جوئی گردانندگان نظام و سیستم مدیریت فاسد این رژیم بوده و می باشد.

همه می دانند که همزمان با شیوع کرونا در محل پیدایش آن یعنی چین و پخش اخبار مربوط به ابعاد و تاثیرات ویرانگرانه این ویروس، شماری از دولتهای جهان با اختصاص مبالغی از خزانه خود در محدوده مرزهای خود به مقابله با این مشکل دست زدند. آنها اقدامات و سیاستهایی را به اجرا گذارند؛ از جمله بستن مرزها، کنترل تدریجی عبور و مرور و جلوگیری از سفرهای غیر ضروری، تعطیلی اداره ها و برخی از نهادهای دولتی و توقف پروازها در کنار اعمال شفافیت در آگاهی رسانی به افکار عمومی راجع به تعداد تلفات و چگونگی رعایت مسایل ایمنی به منظور تخفیف دامنه تاثیر گذاری این ویروس بر حیات مردم. برخی از این دولتها حتی بسته های مالی نظیر پرداخت بخشی از حقوق کارگران و کارمندان خویش را هر چند به صورت کند و با خست، در جامعه به اجرا گذارند. نتیجه این سیاستهای کنترولی آن شد که در حالی که ویروس کرونا در بسیاری از کشورها بی مهابا به پیش تاخته و جان تعداد زیادی از مردم را گرفته، در برخی کشورها، چرخه انتقال بیماری به تدریج، شکسته شده و یا سرعت شیوع آن تا حد زیادی پائین آمده است. در نتیجه، اولین تجربه برخورد با این ویروس مرگ آفرین تا امروز ثابت کرده است که برغم هر منشاءئی که برای پیدایش این ویروس قایل باشیم (انسانی و یا غیر انسانی)، این سیاست دولتها و نظام های حاکم

است که نقش چشمگیر و تعیین کننده ای در کنترل تعداد تلفات، حفظ جان انسانها و حفاظت از حیات و هستی آنها در مقابل این مرگبار بازی می کند.

حال پرسیدنی است که سران جمهوری اسلامی کدام سیاستها و تدابیر را اتخاذ کرده اند؟

در نخستین هفته های پیشروی و شیوع ویروس کرونا در چین به عنوان مرکز گسترش و صدور این بیماری، در حالی که تقریباً تعداد زیادی از کشورهای دنیا تمامی پروازهای خویش به چین و از این کشور به خاک خود را متوقف کرده و تدابیر سختگیرانه نظیر قرنطینه کردن مسافرینی که به این کشور سفر کرده بودند را به اجرا گذارده بودند، پروازهای شرکت هواپیمائی "ماهان" وابسته به سپاه پاسداران ضد خلقی رژیم به کانون شیوع ویروس یعنی ووهان چین ادامه یافت و برغم تمام هشدارهای برخی از کارشناسان خود نظام در مورد خطر ات جبران ناپذیر این کار، در طول سه هفته ممنوعیت پرواز، حداقل بین ۵۵ تا ۶۰ پرواز ثبت شده از این شرکت به کشور مرکز انتشار کرونا صورت گرفت (مطابق گزارشات انتشار یافته توسط بی بی سی فارسی و رادیو فردا) و هزاران مسافر چینی و غیر چینی با انتقال توسط این شرکت هواپیمائی رژیم در نقاط مختلف جابجا شدند. کمی بعد با اعلام نتیجه مثبت آزمایش انجام شده روی مهمانداران این شرکت، شکی نماند که یکی از عوامل شیوع ویروس و انتشار آن در کشور ما و سپس در کشورهای همسایه از طریق این نهاد وابسته به حکومت بوده است. درست به همین دلیل بود که تمام کشورهای همسایه خیلی زود مرزهای خود را بر روی ایران بستند تا به این وسیله از خود حفاظت کنند.

مورد دیگر اهمال و چشم پوشی رژیم نسبت به رفت و آمد آزادانه و بدون کنترل های بهداشتی افراد (نظیر انجام آزمایش کرونا بر روی مسافرانی که از چین و یا سایر مراکز گسترش ویروس می آیند) می باشد. این اهمال به رغم داشتن اطلاع از خطر اپیدمی کرونا باعث شد تا رفت و آمد صد ها تن از "طلبه های چینی" به شهر قم، یعنی یکی از محلهای استقرار نهاد های ایدئولوژیک ارتجاعی رژیم نظیر مدارس اسلامی، به رغم آگاهی مقامات رژیم از خطرات این کار، این شهر را به یکی از کانونهای ویرانگر انتشار و انتقال این ویروس به سایر نقاط کشور تبدیل نماید. رشد خشم و نفرت مردم از این اهمالگری های مقامات رژیم و اعتراضات آنها، باعث شد تا سرانجام در تاریخ ۲۴ اسفند ماه، رضا ملک زاده معاون تحقیقات و فن آوری وزارت بهداشت به صحنه بیاید و به "عدم برخورد جدی دولت" اشاره کند. وی اعلام کرد که وزارت بهداشت "به طور جدی درخواست بستن مرزهای هوایی با چین را داشت، اما در دولت جدی گرفته نشد". البته وی دیگر نگفت که بهای این "جدی" نگرستن دولتمردان تبهکار حاکم را صد ها تن از توده های محروم و مردم دردمند با از دست دادن جان عزیزانشان در اثر ابتلا به این ویروس مرگباری پرداختند که جمهوری اسلامی با سیاستهای ضد مردمی اش عامل اصلی شیوع گسترده آن در کشور شد.

از سوی دیگر، سیاستهای مردم ستیز جمهوری اسلامی در مورد عواقب فاجعه کرونا تنها به عدم تلاش برای پیشگیری از انتقال و شیوع این ویروس و - به واقع- انتشار گسترده تر آن به دست خود مقامات حاکم ختم نمی شود. آنها در شرایط وحشتناک شیوع این بلا، به جای قرنطینه کردن سریع نقاط بحرانی، به جای آگاهی رسانی و انجام اقدامات جبران کننده اقتصادی برای اقشار مختلف مردم به ویژه کارگران و زحمتکشان، سیاست "برخورد امنیتی" یعنی توسل به زور و چماق سرکوب را اتخاذ کرده اند. در چنین اوضاعی مراکز سرکوب حکومت در شهرها مرتب اطلاعیه صادر نموده و کسانی را که در شرایط سیاست پنهان کاری مقامات رژیم، فیلمها و گزارشات واقعی مربوط به شیوع ویروس کرونا و اثرات مرگبار آن را در فضای مجازی پخش کرده و به اطلاع رسانی شفاف دست می زنند، به مجازات تهدید می کنند. در همین رابطه محمد جعفر منتظری، دادستان کل جمهوری اسلامی ایران، در ۲۱ اسفند ماه با انتشار بیانیه ای اطلاع رسانی در باره «بیماری کرونا و ارائه آمار و ارقام در باره بیماران و تلفات این ویروس را در

انحصار ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا" اعلام کرد و گفت "هر اظهارنظری" خارج از این روال "خلاف مصالح و امنیت ملی کشور" است و "با مرتکب [...] برخورد خواهد شد". یک روز پیش از صدور این اطلاعیه نیز دادستانی قم خبر از "دستگیری یک پرستار" به خاطر "اعلام رقم" واقعی قربانیان کرونا را داد.

در شرایط رسوا شدن هر چه بیشتر نقش جمهوری اسلامی در بسط فاجعه مربوط به کرونا، این رژیم که به هیچ اقدام مؤثر در رابطه با امور درمانی و حفاظتی هم دست نمی زند، اکنون با سپردن مسئولیت اداره "ستاد بحران مبارزه با کرونا" به ارتش و نیروهای سرکوبگر، نشان می دهد که به نمایندگی از طبقه حاکم یعنی سرمایه داران زالو صفت، دل نگران انفجار احتمالی اجتماعی ناشی از رشد خشم و اعتراضات توده ای می باشد. توده هایی که تا کنون نیز با مشاهده سیاستهای ضد مردمی رژیم و عدم پذیرش کمترین مسئولیتی در برخورد جدی با عواقب این فاجعه، در بندر عباس و قم به نیروهای انتظامی و سپاه حمله ور شده اند و یا در مبادی ورودی شهرها با نیروهای انتظامی درگیر گشته اند.

اکنون حدود دو ماه پس از انتشار اپیدمی مرگبار کرونا و قربانی شدن صدها تن از مردم بی گناه در مسلخ سیاستهای ضد خلقی حکومت و فساد ساختاری این نظام پوسیده، دیدگان نگران میلیونها تن از توده های تحت ستم و به ویژه کارگران و زحمتکشان به عواقب مرگبار آتی این فاجعه بر حیات و هستی خویش دوخته شده است. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی همچون ۴۱ سال گذشته بار کمر شکن و دهشتناک جانی و مالی ناشی از فاجعه کرونا را بر دوش توده های محروم سرریز کرده است. سرمایه داران زالو صفت حاکم و ایادی شان کمترین عواقب مخرب ویروس کرونا را متحمل شده و خواهند شد. آنها غم نان و سیر کردن شکم گرسنه کودکانشان را نخواهد داشت، آنها به خاطر کمبود کیت های تشخیص کرونا و سایر امکانات پزشکی شاهد جان دادن بسیاری از عزیزانشان در آغوش خود خواهند بود. با شیوع کرونا، سرمایه داران و آخوندهای مفت خور و استثمارگران حاکم، تمام اقدامات پیشگیرانه را انجام داده و به قول مردم عادی، تمام کارها و حتی "ساعت هایشان را با زمان چین و غرب کوک کرده اند". آنها با استفاده از پول و نفوذ خود در ساختار قدرت دولتی از بهترین امکانات قرنطینه ای موجود در کیش و ... سایر نقاط خوش آب و هوا و گرم برخوردار هستند. در عوض کارگران، زحمتکشان، گرسنگان، کودکان کار، قیر خوابان و اقتشار مادون جامعه یعنی اکثریت آحاد این کشور هستند که در حالی که زندگی محنت بارشان زیر فقر و گرسنگی و بیکاری و گرانی و کمبود و سرکوب خم شده، تحت شرایط مرگبار آفریده شده توسط نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و حاکمیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در مقابله با این بلای مرگبار، هر روز بیش از پیش به خیل قربانیان خاموش ویروس کرونا می پیوندند.

رژیم مزدور جمهوری اسلامی، در شرایطی که به تعطیلی کارخانه ها و محل های کسب و کار زحمتکشان دست زده، حاضر نیست تا با دست کردن در جیب گشاد سرمایه داران حاکم بخش کوچکی از هزاران میلیارد دلار ثروتی که این دار و دسته با غارت و استثمار کارگران و زحمتکشان جمع کرده اند را در مقابله با فاجعه گریبانگیر مردم ما به کار گیرد. این رژیم حاضر نیست که کیت های تشخیص بیماری، ماسک و ژل - که وجود آنها به طور قطع از دامنه تعداد مبتلایان و رشد بیماری می کاهد- را در ابعاد وسیع تهیه و به طور رایگان در اختیار مردم و یا حتی در اختیار کادر درمانی زحمتکش بگذارد که به طور شبانه روزی و با مایه گذاردن از جان خویش در حال مداوای بیماران کرونائی هستند.

از سوی دیگر، در شرایطی که تعطیلی اجباری هزاران محیط کسب و کار، به ویژه محل استقرار هزاران تن از دستفروشان که به هزار زحمت برای خود و خانواده شان از طریق دستفروشی لقمه ای نان پیدا می کنند، این جمعیت عظیم را با فقر مطلق و گرسنگی روبرو ساخته، به خصوص که مأموران جمهوری اسلامی به جای برداشتن گامی

برای نجات حیات و کار این مردم، همچنان به محلهای ارتزاق آنها حمله می کنند و بساط آنها را به بهانه کرونا جمع می نمایند. در غیبت وجود حداقل بسته های حمایتی مالی از سوی دولت، در شرایط عدم پرداخت حقوق، در شرایط تعطیلی مراکز کسب و کار زحمتکشان، اکنون سرنوشت میلیونها تن از اقشار زحمتکش و بدون درآمد ثابت، کارگران و خیل عظیم بیکاران، توسط حکومت به سیر خودبخودی اوضاع مرگبار کنونی سپرده شده است.

مقامات رژیم به جای انجام اقداماتی که تأثیرات اقتصادی و جانی کرونا را به حداقل برساند با تبهکاری تمام عنوان می کنند که "زمانی از این ویروس خلاص می شویم که ۵۵ تا ۷۰ درصد مردم به آن مبتلا شوند" (از اظهارات رضا ملک زاده معاون وزارت بهداشت در برنامه تلویزیونی مورخ ۲۳ اسفند). به راستی در شرایط جهنمی ای که جمهوری اسلامی با عدم انجام کمترین اقدام جدی و موثری در برخورد با بیماران کرونائی برای مردم ما آفریده، تا زمان "خلاص" شدن از این ویروس، جان چند نفر دیگر از توده های تحت ستم باید گرفته شود؟ و چه تعداد خانواده کارگری و محروم باید به مرداب فقر و گرسنگی و مرگ پرتاب شوند؟

مصایب توصیف ناپذیری که در ماه های اخیر در شرایط انتشار ویروس کرونا بر مردم ما رفته است بار دیگر بر ضرورت انجام یک جراحی بزرگ در جامعه تحت سلطه و سراسر بیمار ما تاکید می کند و آن انقلابی برای سرنوشتی ابر ویروس مرگباری به نام جمهوری اسلامی و برافکندن نظام استثمارگرانه کنونی می باشد که ریشه تمام مصایب و بیماری های گریبانگیر توده های تحت ستم ماست.

به نقل از: پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۴۸ ، اسفند ماه ۱۳۹۸